

مبانی تفسیر تربیتی قرآن

محمد حسین خوانین زاده^۱، محمد انصاری راد^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۲۵

تاریخ وصول: ۱۳۹۶/۰۷/۰۸

چکیده

قرآن کتاب جاویدان است که برای هدایت بشر نازل شد. این کتاب آسمانی با سبک‌های مختلف قابل تفسیر است؛ یکی از این سبک‌ها تفسیر تربیتی است که می‌تواند دست آوردهای مهمی داشته باشد. از تفسیر تربیتی چند نوع برداشت می‌شود؛ الف: بیان و تفسیر آیاتی است که مستقیماً به مسأله تربیت و ابعاد و اهداف و مبانی و روش‌ها و عوامل و موانع آن اشاره دارد. ب: استخراج نکات، نظریه‌ها، یا نظام جامع تربیتی از آیات قرآن است. ج: نگاه برون‌متنی به قرآن به این معنا که ببینیم گزاره‌ها و نظریات علمی ثابت شده در علوم تربیتی تا چه میزان به کار تربیت می‌آید. مرحوم علامه طباطبائی بیان می‌دارد: تمامی آیات قرآنی که نازل شده‌اند، اعم از محکّمات و متشابهات، عام و خاص، مطلق و مقید، مجمل و مبین، ناسخ و منسوخ و... همگی آیات الهی برای هدایت بشر نازل شده‌اند.

واژگان کلیدی: تربیت، تفسیر، تفسیر تربیتی، قرآن، مبانی

مقدمه

بی‌تردید قرآن کریم برای هدایت بشر نازل شده است. این کتاب آسمانی در طول دوره‌ی رسالت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم به تدریج نازل شده و بسیاری از آیات آن در ارتباط تنگاتنگ با تربیت انسان می‌باشد. از آنجا که هدف قرآن تربیت انسان است؛ بنابراین به صورت گسترده به مباحث تربیتی پرداخته است؛ اما برای تفسیر آن کلام الهی چه مبانی باید رعایت شود؟

۱. دانشیار گروه معارف اسلامی دانشگاه علامه طباطبائی

۲. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول)

مبانی: مبانی جمع مبنا است که در لغت به معنی اساس، بنیاد و بنیان یک شیء است (معین ۱۳۷۵)؛ بنابراین مبانی در هر علم، پایه‌ها و بسترها و ساخت‌های اساسی آن علم می‌باشد. مبانی در مورد تفسیر، عبارت است از باورها و اصول پذیرفته شده و مسلم مفسران (شاکر ۱۳۸۷) که در فرایند تفسیر، نقش مهمی دارند و پذیرش اثباتی یا نفی آن‌ها، سبب رویکرد خاصی در تفسیر می‌گردد (مؤدب ۱۳۸۵). مبانی در تفسیر، همواره به‌عنوان پیش‌فرض و مطالب پذیرفته شده و پشت صحنه هر تفسیر مطرح هستند که نزد مفسران، متفاوت است و بدین جهت اختلاف در تفسیر را به همراه آورده‌اند؛ زیرا مبانی ثابتی برای همه مفسران وجود ندارد و مفسران قبل از شروع به تفسیر، آن‌ها را گاه در ضمیر ناخودآگاه، پذیرفته و یا در مواردی، پس از تحلیل، مستدل و معتبر نموده‌اند (مؤدب ۱۳۸۶).

تفسیر: «فسر» در لغت به معنای بیان و ایضاح است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ۴/۵۰۴). بنابراین؛ معنای لغوی تفسیر که مأخوذ از آن می‌باشد، روشن کردن و کشف نمودن مراد و مقصود از لفظ مشکل، است (ابن منظور، ۱۴۰۵ق: ۵/۵۵). در اصطلاح تعریف‌های گوناگونی از علم تفسیر ارائه شده است؛ از جمله زرقانی در "مناهل العرفان" گفته است: تفسیر، علمی است که در آن به قدر توان بشری از احوال قرآن از آن جهت که بر مراد خداوند متعال دلالت دارد، بحث می‌شود (زرقانی ۱۳۶۲). استاد رضایی اصفهانی تفسیر را این گونه تعریف می‌کند: تفسیر عبارت است از تبیین معنای استعمالی آیات قرآن و آشکار نمودن، مراد اصلی آن بر اساس قواعد ادبیات عرب و اصول عقلانی محاوره، با استمداد از منابع و قرائن معتبر است (رضایی اصفهانی ۱۳۸۷).

تربیت: واژه تربیت اسم مصدر، از ریشه "رب ی" به معنای پروردن؛ پروراندن؛ پرورش دادن، یاد دادن ادب و اخلاق به کسی است (معین ۱۳۷۵). تربیت در اصطلاح، بر انگیختن و فراهم آوردن موجبات رشد و پرورش و شکوفایی تمامی استعدادها، توانایی‌ها و قابلیت‌های انسان به منظور رسیدن به کمال و سعادت مطلوب است (بهشتی ۱۳۷۸). فرآیند کمک به فرد تربیت‌پذیر برای ایجاد تغییر تدریجی در گستره زمان، در یکی از ساحت‌های بدنی، ذهنی، روحی و رفتاری اوست که به واسطه عامل انسانی دیگر برای دستیابی وی به کمال و شکوفاسازی استعدادها یا بازدارندگی و اصلاح صفات و رفتارهای او می‌باشد (رضایی اصفهانی بی تا).

تفسیر تربیتی: واژه ترکیبی «تفسیر تربیتی» یک ترکیب وصفی است که مراد از آن را می‌توان به چند صورت و با چند رویکرد تبیین نمود:

الف: بیان و تفسیر آیاتی است که مستقیماً به مسأله تربیت و ابعاد و اهداف و مبانی و روش‌ها و عوامل و موانع آن اشاره دارد: مثل آیه شریفه «وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» (بقره/ ۸۳) و یا آیه «وَلَا يَغْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا» (حجرات/ ۱۲) در این رویکرد، مفسر به آیات، نگاه موضوعی خواهد داشت و فقط آیات تربیتی را مورد بررسی قرار خواهد داد؛ و البته آفات تفسیر موضوعی مانند تقطیع آیات و خارج کردن آن‌ها از سیاق و غفلت از قرائن و تحمیل دیدگاه‌ها بر قرآن و... را می‌تواند به همراه داشته باشد؛ به‌ویژه که در طراحی نظام جامع تربیتی مورد نظر قرآن که رسالت اصلی انزال آن است، مفسر دچار یک‌سویه‌نگری و انفکاک سایر ساحت‌های تربیتی خواهد شد؛ زیرا خود را از نسیم تربیتی سایر آیات محروم خواهد ساخت. این نگاه در بحث‌های معرفت‌دینی به «نگاه حداقلی» مشهور است که در سایر رشته‌های علمی مثل فقه، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، عرفان و... نیز جاری است.

ب: استخراج نکات، نظریه‌ها، یا نظام جامع تربیتی از آیات قرآن است: روشن است که در این رویکرد، مفسر در بند آیاتی خاص نخواهد بود و می‌تواند به صورت ترتیبی (به صورت نزول و یا کتابت قرآن) از تمام آیات به این مقوله بنگرد. اتفاقاً این رویکرد با رسالت و کارکرد قرآن نیز سازگارتر است؛ چرا که قرآن پیش از آنکه یک کتاب سیاسی، اقتصادی، فقهی، جامعه‌شناسی و یا انسان‌شناسی باشد، کتاب تربیت و هدایت است و تمام آیات آن - ولو در نگاه ابتدایی و مستقیماً مربوط به تربیت نباشد؛ اما - نتیجه تربیتی خواهند داشت و به یکی از ساحت‌های تربیت مرتبط خواهند بود. از سوی دیگر روش صحیح فهم یک متن - چنانچه در علم هرمنوتیک بحث می‌شود - نگاه شبکه‌ای به متن است، به‌ویژه اگر یک متن با تمام موضوعات موجود در آن به یک هدف تنظیم شده باشد و از خطای سهوی و عمدی و در نتیجه احتمال تکاذب و تعارض مصون باشد که در مورد قرآن این مطلب کاملاً صادق است. این نگاه خواستگاه عقلایی و فطری نیز دارد و به صورت یک تفسیر نظام‌مند اولین بار توسط علامه طباطبایی به ظهور رسید. در این رویکرد که از آن به «نگاه حداکثری» تعبیر می‌شود آیات نورانی قرآن در سه ضلع «اعتقادات، اخلاق و احکام» عبادات و معاملات، سعی در تربیت همه‌جانبه انسان دارد و تنها به یک بعد او نمی‌نگرد.

ج: نگاه برون‌متنی به قرآن به این معناست که بررسی کنیم گزاره‌ها و نظریات علمی ثابت شده در علوم تربیتی تا چه میزان با آیات قرآن تطابق دارد: در این رویکرد، اگرچه ما بر اساس مبانی کلامی، آیات قرآن را در بحث تربیت، حکیمانانه و بدون نقص و کاستی می‌دانیم اما سعی در اثبات حقانیت قرآن کریم به واسطه این گزاره‌ها و نظریات نداریم، بلکه برعکس قصد آن را داریم که صحت و سقم گزاره‌های تربیتی را از قرآن دریابیم. در تقابل این دو (گزاره‌های تربیتی و قرآنی) بر فرض فهم صحیح از آیه، در صورت قطعیت گزاره تربیتی، دست از ظهور آیه برداشته و آن را تأویل می‌کنیم؛ در غیر این صورت گزاره تربیتی را کنار می‌گذاریم تا گرفتار تفسیر نادرست نشویم.

د: باز نگاه برون‌متنی به قرآن داشته با این تفاوت که برای فهم بهتر و دقیق‌تر، از آیات و رموز نهفته در آن از داده‌های قطعی علوم تربیتی استفاده می‌کنیم و برای فهم بهتر آیات تربیتی، این داده‌ها را به استخدام می‌گیریم. البته باید مراقب بود تا در این روش از افتادن در وادی تفسیر به رأی، مصون ماند؛ چرا که گزاره‌های علوم انسانی که مبتنی بر فهم بشر است برخلاف علوم تجربی معمولاً ظنی و غیر قابل اثبات قطعی هستند. البته در مواردی نیز این گزاره‌ها قابل اثبات تجربی خواهد بود؛ مانند برخی گزاره‌های انسان‌شناسی تربیتی، روان‌شناسی تربیتی و جامعه‌شناسی تربیتی که فهم بهتر و صحیح‌تری از آیات را به ما خواهد داد؛ اما اگر به صورت ظن و گمان بود باید به صورت احتمال مطرح گردد تا منجر به تفسیر نادرست نگردد.

ج-مبانی تفسیر تربیتی: یکی از مباحث اساسی و مقدماتی تفسیر قرآن کریم، مبحث مبانی است. مبانی تفسیر قرآن به آن دسته از پیش‌فرض‌ها، اصول موضوعه و باورهای اعتقادی یا علمی گفته می‌شود که مفسر با پذیرش و مبنا قرار دادن آن‌ها، به تفسیر قرآن می‌پردازد. به عبارت دیگر هر مفسری ناگزیر است مبنای خود را در مورد عناصر اساسی دخیل در فرآیند تفسیر قرآن روشن سازد. مبانی و پیش‌فرض‌ها می‌تواند چهره‌ی تفسیر قرآن را عوض کند. فرآیند تفسیر متکی به مسائل گوناگونی است که شفاف‌سازی در هر یک از آن‌ها راه را برای شناخت تفاسیر و طبقه‌بندی و ارزیابی آن‌ها هموار می‌سازد. یکی از این موارد مبانی تفسیر می‌باشد که ما در این نوشتار فقط مبانی تفسیر تربیتی را یادآور می‌شویم.

مبانی عام تفسیر تربیتی

فهم و تفسیر قرآن بر نهادهای اساسی استوار است که به‌عنوان مبانی یا پیش فرض در تفسیر مطرح می‌شود. مفسر قرآن هنگام تفسیر، آن‌ها را مستقیماً مطرح و مستدل نمی‌سازد. بلکه قبل از ورود به تفسیر این مطالب را پذیرفته است؛ چون در جای خود مستدل شده و به‌صورت مقبولات ذهنی در آمده و مفسر ناخودآگاه به آن‌ها توجه دارد (رضایی اصفهانی ۱۳۸۷). ما درباره مبانی عام تفسیر به‌طور مفصل نمی‌پردازیم، بلکه فقط به‌طور اختصار به این بخش اشاره می‌نماییم.

۱- قرآن وحی الهی است

محتوا و الفاظ قرآن کریم از خدای متعال است که به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده است و او بدون دخل و تصرف به ما ابلاغ نموده است (رضایی اصفهانی ۱۳۸۷). این مطلب در آیات متعدد قرآن مطرح شده است؛ از جمله:

«نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ» رُوحُ الْأَمِينِ (جبرئیل احیاگر درستکار) آن را بر دل تو فرود آورد (شعراء/ ۱۹۳).

«تَنْزِيلٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ * وَكَوْنُ تَقْوَىٰ عَلَيْنَا بَعْضُ الْأَقْوِيلِ * لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ * ثُمَّ لَقَطْنَا مِنْهُ الْوَتِي» (این قرآن) فرو فرستاده‌ای از جانب پروردگار جهانیان است و اگر (بر فرض) برخی سخنان را به ما (به‌دروغ) نسبت می‌داد، حتماً با دست راست (قدرتمند)، او را گرفتار می‌ساختیم، سپس رگ قلبش را مسلماً قطع می‌کردیم (الحاقه/ ۴۳-۴۶).

۲- تحریف ناپذیری قرآن

بر اساس دلایل عقلی و نقلی، به‌ویژه با توجه به تواتر قرآن کریم، این کتاب آسمانی تحریف نشده است. خدای متعال نیز در آیات متعدد بر این مطلب تأکید کرده است. «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ وَّلِحْفِظُونَ» در حقیقت ما خود، آگاه‌کننده (قرآن) را فرو فرستادیم و قطعاً ما پاسداران آن هستیم (حجر/ ۹).

۳- حکیمانه بودن قرآن

در قرآن، خدای متعال با صفت «حکیم» معرفی و تأکید شده که قرآن از طرف چنین شخص حکیمی نازل گشته و قرآن کتابی حکیمانه است «الر تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ» الف، لام، را، آن آیات کتاب حکمت‌آمیز است (یونس/ ۱).

۴- هدفمندی و هدایت‌گری قرآن

قرآن کریم در آیات متعددی به اهداف خود اشاره کرده و بالاترین هدف خود را هدایت مردم و خارج ساختن آن‌ها از ظلمت‌ها به سوی نور معرفی کرده است؛ مانند: «الر كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ» الف، لام، را، [این] کتابی است که آن را به سوی تو فرو فرستادیم، به خاطر اینکه مردم را به رخصت پروردگارشان، از تاریکی‌ها به سوی نور بیرون آوری، به سوی راه (خدای) شکست‌ناپذیر [و] ستوده (ابراهیم/۱).

۵- هماهنگی آموزه‌های قرآن با فطرت انسان

قرآن کریم به سوی دین فطری فرا می‌خواند و می‌فرماید: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَٰلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» پس روی (وجود) خود را به دین حق گرایانه راست دار، (و پیروی کن از) سرشت الهی که (خدا) مردم را بر (اساس) آن آفریده، که هیچ تغییری در آفرینش الهی نیست این دین استوار است، و لیکن بیشتر مردم نمی‌دانند (روم/۳۰).

۷- ساحت‌های فهم و بطون قرآن

بر اساس احادیث متعددی که شیعه و اهل سنت از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام حکایت کرده‌اند قرآن دارای ظاهر و باطن است. «ان للقرآن ظهراً و بطناً» (مجلسی، ۹/۹۲).

۸- حجیت ظواهر قرآن

یکی از زیر ساخت‌های مهم در فهم و تفسیر قرآن، حجیت ظواهر آن است که مهم‌ترین دلیل آن بنای عقل است؛ چون روش عقل در نوشته‌ها و گفته‌ها، آن است که هنگام تعیین مراد و مقصود گوینده، از ظاهر کلام او پیروی و به آن استدلال می‌کنند و شارع مقدس اسلام نیز از این روش عقلایی منع نکرده و روش دیگری نیز اختراع نکرده است (آخوند خراسانی ۱۴۰۹ق)؛ پس همان روش عقلا را تقریر و تثبیت کرده و همان روش در فهم و تفسیر قرآن حجت است.

۹- امکان و جواز فهم و تفسیر قرآن

یکی از مبانی اساسی و پیش فرض‌های تفسیر قرآن، امکان و جواز فهم آن است. در مقدمه مجمع البیان و نویسندگان کتاب‌های اصول الفقه مثل آخوند خراسانی در کفایه

الاصول، شیخ انصاری در فوائد الاصول، شهید صدر در حلقات و نیز اخباری‌ها مانند محمد امین استرآبادی در فوائد المدینه این مسأله را به نوعی مطرح کرده و برخی معاصران از جمله دکتر شاکر در مبانی و روش‌های تفسیر، بابائی و دیگران در روش‌شناسی تفسیر قرآن و ... به مسأله امکان و جواز فهم و تفسیر پرداخته‌اند (رضایی اصفهانی ۱۳۸۷).

مبانی خاص تفسیر تربیتی: تفسیر تربیتی بر مبانی خاص خود استوار است. نادیده انگاشتن این مبانی، مفسر را در فهم آیات تربیتی با مشکل روبرو می‌سازد؛ ما در این بخش به مبانی خاص تفسیر تربیتی می‌پردازیم.

۱- خداوند، مربی اصلی انسان

خداوند مربی اصلی انسان است و سایر عوامل تربیت مثل پدر، مادر، معلم و اجتماع، نقش واسطه‌ای دارند. آیاتی که ربوبیت تشریحی و تکوینی و نقش هدایت‌گری خداوند را اثبات و توصیف می‌کنند و نقش پیامبر (ص) را فقط ابلاغ و ارائه و اجرای وحی می‌دانند، بر این مطلب گواه هستند. بر اساس این اصل، مفسر تربیتی باید به تک تک آیات نگاه تربیتی داشته باشد و با دقت و ظرافت، سعی در استخراج نکات تربیتی از تمام آیات داشته باشد و لو در نگاه بدوی ظاهر آیه‌ای با موضوع تربیت، بیگانه به نظر آید؛ زیرا کتاب قرآن بر اساس نقش مربی‌گری خداوند برای بشر نازل شده است.

۲- نزول قرآن برای هدایت و تربیت بشر

شکی نیست که یکی از اهداف قرآن هدایت به طرف تعالی و تربیت بشر است. قرآن می‌خواهد اخلاق حسنه را تقویت کند و از اخلاق ناپسندیده دور نگه دارد.

«شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ»

ماه رمضان (ماهی است) که قرآن در آن فرو فرستاده شد، در حالی که [آن قرآن]

راهنمای مردم و نشانه‌هایی از هدایت و جداکننده [حق از باطل] است (بقره/۱۸۵).

منظور از این هدایت راهنمایی افراد از طریق تعلیم و تربیت و قوانین مفید، حکومت عادلانه و پند و اندرز و موعظه است و در قرآن به آن کرارا اشاره شده است. قرآن مجید می‌گوید: «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» این کتاب بزرگ تردیدی در آن نیست و وسیله هدایت پرهیزکاران است (بقره/۲). البته این نوع هدایت به وسیله پیامبران، امامان و افراد صالح و مرییان دلسوز انجام می‌شود.

«هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَ» او کسی است که در میان درس ناخواندگان فرستاده‌ای از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنان می‌خواند [و پیروی می‌کند] و رشدشان می‌دهد [و پاکشان می‌گرداند] و کتاب [خدا] و فرزاندگی به آنان می‌آموزد (جمعه/۲).

در واقع هدف بعثت در سه امر خلاصه می‌شود که یکی جنبه مقدماتی دارد و آن تلاوت آیات الهی است، و دو قسمت دیگر یعنی "تهذیب و تزکیه نفوس" و "تعلیم کتاب و حکمت" دو هدف بزرگ نهایی را تشکیل می‌دهد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آمده است که انسان‌ها را هم در زمینه علم و دانش، و هم اخلاق و عمل، پرورش دهد، تا به وسیله این دو بال بر اوج آسمان سعادت پرواز کنند، و مسیر الی الله را پیش گیرند، و به مقام قرب او نائل شوند (مکارم شیرازی ۱۳۷۸).

۳- اهمیت قرآن به تربیت روح و بدن

انسان که موضوع تربیت است در نگاه قرآن موجودی مرکب از جسم و روح، دارای بالاترین ظرفیت علمی، ابدی، مختار، فکور و دارای عقل، داری تأثیر و تأثر، و مفظور به فطرت توحیدی، دارای کرامت ذاتی، ذاتاً خیر خواه، دارای دو دسته گرایش‌های حیوانی و الهی، تنوع طلب، مایل به جاودانگی و گریزان از محدودیت، و متفاوت از سایر موجودات در تمام جنبه‌های خلقت، است (اسراء/۷۰). با توجه به ماهیت وجودی انسان، مفسر باید در تفسیر جامع تربیتی تمام ابعاد پرورشی انسان اعم از پرورش جسمی (آیات اکل و شرب و آیات ناهی از مضرات) و پرورش عقلی (آیات ارشاد به تفکر و تعقل و ناهی از پیروی از ظن و گمان) و پرورش اخلاقی (آیات مشعر به کنترل قوای غریزی) و پرورش اعتقادی (آیات اعتقادی) و پرورش اجتماعی (آیات آموزش‌دهنده مهارت‌های زندگی اجتماعی و برخورد صحیح در اجتماع) و... را به صورت ویژه در نظر بگیرد. در بعد جسم رشد و بعد روح تفکر از ویژگی‌های برجسته آدمی است که توجه خاصی را می‌طلبد. قرآن کریم به این مسأله به طور احسن پرداخته است تا انسان بتواند به کمال برسد.

«أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يُزَكُّونَ أَنْفُسَهُمْ بَلِ اللَّهُ يُزَكِّي مَنْ يَشَاءُ وَلَا يُظَلِّمُونَ فِتْيَانًا» آیا نظر نمی‌کنی به سوی کسانی که خودشان را (پاک و) رشدیافته می‌شمارند (و خودستایی می‌کنند)؟! بلکه خدا هر کس را بخواهد، رشد می‌دهد (و پاک می‌گرداند) و کمترین ستمی بر آنان نخواهد شد (نساء / ۴۹).

فَإِذَا سَوَّيْتَهُ وَنَفَخْتَ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ» و هنگامی که او را مرتب نمودم، و از روح خود در او دمیدم، پس برای او سجده کنان در افتید (حجر / ۲۹).

۴- انسان موجودی مختار و انتخابگر خیر و شر

خداوند انسان را موجود مختار آفریده و چنین نیرویی داده که می‌تواند به بالاترین مراحل رشد برسد. البته این عنایت و نیروی خدادای که به انسان عنایت شده، تنها شرط لازم است و کافی نیست. خداوند می‌فرماید: «فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ» هر کس خواهد پس ایمان آورد، و هر کس خواهد پس کفر ورزد (کهف / ۲۹).

از آنجا که تکلیف و آزمایش انسان علاوه بر مسأله آگاهی و ابزار شناخت نیاز به دو عامل دیگر یعنی به مسأله "هدایت" و "اختیار" دارد می‌فرماید: «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا» ما راه را به او نشان دادیم، خواه شاکر و پذیرا باشد، یا کفران کننده و ناپذیرا (انسان / ۳).

۵- استفاده قرآن در تربیت از ابزار تشویق و تهدید

خداوند برای هدایت انسان از انذار و بشارت استفاده نموده است. مثلاً در سوره انسان می‌خوانیم: «إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَلَاسِلَ وَأَغْلَالًا وَسَعِيرًا * إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا» در حقیقت ما برای کافران، زنجیرها و غل‌ها و شعله‌های فروزان (آتش) آماده کرده‌ایم! در حقیقت نیکوکاران از جامی (از شراب) می‌نوشند که آن با (عطر خوش) کافور آمیخته است (انسان / ۴-۵).

۶- تدریجی بودن تربیت قرآن

حرکت گام به گام در مسیر کمال و تربیت، مطلوب قرآن است و در موارد متعدد مانند شراب خواری از آن استفاده کرده است. خداوند در مرحله اول می‌فرماید:

«يَسْتَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا» از تو، درباره شراب و قمار می‌پرسند، بگو: «در آن دو، گناه [و زیانی] بزرگ و سودهایی برای مردم است و [لی] گناه آن دو از سود آن دو بزرگ‌تر است (بقره / ۲۱۹).

در مرحله دوم می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى» ای کسانی که ایمان آورده‌اید!

در حالی که شما مست هستید، به (مسجد و) نماز نزدیک نشوید (نساء / ۴۳).

در مرحله سوم می‌فرماید:

«يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» ای کسانی که ایمان آورده‌اید! شراب و قمار و بت‌ها و چوب‌های شرط‌بندی فقط پلیدند [و] از کار شیطانند پس، از آن [ها] دوری کنید، باشد که شما رستگار شوید (مائده / ۹۰).

۷- حفظ عزت و کرامت انسان توسط قرآن

قرآن کریم، انسان را گل سرسبد هستی می‌داند که همه چیز برای او خلق شده است؛ از این رو به هیچ روی اجازه نمی‌دهد که عزت و کرامت او خدشه‌دار شود.

«وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» و بیقین فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا، (بر مرکب‌ها) سوار کردیم و آنان را از پاکیزه‌ها روزی دادیم و ایشان را بر بسیاری از کسانی که آفریدیم، کاملاً برتری دادیم (اسراء / ۷۰).

«يَقُولُونَ لَئِن رَّجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ» می‌گویند: «اگر به مدینه بازگردیم، قطعاً عزیزترین (افراد)، دلیل‌ترین (افراد) را از آن (شهر) بیرون می‌رانند!» (در حالی که عزت فقط برای خدا و برای فرستاده‌اش و برای مؤمنان است و لیکن منافقان نمی‌دانند (منافقون / ۸).

۸- اعتدال، روش تربیت قرآن

سلوک بر مسلک اعتدال و پرهیز از افراط و تفریط در تمام مراحل تربیتی و امور زندگی اعم از حیات فردی، خانوادگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی می‌باشد؛ مانند:

«وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا» و دست را بسته شده به گردنت قرار مده، (و ترک بخشش منما) و آن (دستانت را برای بخشش) به‌طور کامل مگشای، تا [اینکه] سرزنش شده [و] درمانده بنشینی (اسراء / ۲۹).

«وَأَقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَاعْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ» و در راه رفتنت، معتدل باش و صدایت را فرو گاه [چرا] که مسلماً ناپسندترین صداها، صدای الاغ‌هاست (لقمان / ۱۹).

۹- اصل آسان‌گیری قرآن در تربیت

سخت‌گیری بر مؤمنان در عبادات و اعمال، شیوه الهی نیست؛ بلکه خدای متعال از هر کس به اندازه توانایی او تکلیف می‌خواهد و همین اصل باید در تمام مراحل تربیت انسان حاکم باشد.

«شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَ مَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَ لِتَكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَ لِتَكْبِرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَاكُمْ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» ماه رمضان (ماه‌ی است) که قرآن در آن فرو فرستاده شد؛ در حالی که [آن قرآن] راهنمای مردم و نشانه‌هایی از هدایت و جدا کننده [حق از باطل] است. و هر کس از شما که (این) ماه را (در وطن خود) حاضر باشد پس باید آن (ماه) روزه بدارد و کسی که بیمار یا در سفر است، پس تعدادی از روزهای دیگر (روزه بدارد). خدا، آسانی شما را می‌خواهد، و دشواری شما را نمی‌خواهد. و (این احکام را قرار دادیم) تا تعداد [این روزها] را تکمیل کنید و تا خدا را به پاس اینکه شما را راهنمایی کرده بزرگ شمارید و باشد که شما سپاسگزاری کنید (بقره ۱۸۵/).

«لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا...» خدا هیچ کس را، جز به اندازه تواناییش، تکلیف نمی‌کند (بقره/۲۸۶).

۱۰- قرآن و مساله شروع تغییرات از خود انسان

تغییرات تحمیلی نتیجه‌ای در تربیت ندارد؛ چون بر اساس مبانی تربیت قرآنی، انسان مختار است و تلاش مری و عوامل دیگر زمینه‌ساز تغییرات درونی فرد است که در اجتماع نمایان می‌شود.

«لَهُ مَعْقَبَاتٌ مِّنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهِ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُعَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُعَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَ إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَ مَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَالٍ» برای او، مأمورانی است که پی در پی، از پیش رویش، و از پشت سرش، او را از فرمان الهی (حوادث غیر حتمی) حفظ می‌کنند در حقیقت خدا آن (سرنوشتی) که در قومی است را تغییر نمی‌دهد تا اینکه آنچه را در خودشان است، تغییر دهند و هنگامی که خدا برای قومی (بخاطر اعمالشان) بدی بخواهد، پس هیچ بازگشتی برای آن نخواهد بود و جز او، هیچ سرپرستی برای آنان نخواهد بود (رعد/۱۱).

۱۱- بازدارندگی قرآن نسبت به گناهان و جرائم

در موارد متعددی قرآن کریم مجازات‌های سختی در مورد زنا و سرقت و ... وضع کرده که کمتر شرایط اجرای آن فراهم می‌شود؛ ولی حالت ترسانندگی و بازدارندگی آن‌ها در جامعه اسلامی مشهود است (رضایی اصفهانی ۱۳۹۲).

۱۲- تشخیص خوب و بد توسط انسان

خود انسان می‌تواند خوب و بد را تشخیص دهد. نفس اماره انسان را به طرف سوء دعوت می‌کند و فرو افتادن در لجن‌های پستی می‌شود. اما تمسک به پیام‌های الهی و مسلح شدن به نیروی ایمان و پرهیزگاری آدم از سقوط نجات پیدا می‌کند.

«وَمَا أُبْرئُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ» و نفس خود را تبرئه نمی‌کنم، [چرا] که قطعاً نفس، بسیار به بدی‌ها فرمان می‌دهد، مگر آنچه را پروردگارم رحم کند. به راستی که پروردگارم بسیار آمرزنده [و] مهرورز است (یوسف/۵۳).
«فَالْهَمُّهَا فُجُورُهَا وَتَقْوَاهَا» و بد کاریش و پارسایی‌اش را به او الهام کرد (شمس/۸).

۱۳- توجه به سیره عملی و سنت معصومان در تربیت قرآن

چون موضوع تربیت، انسان است و از سوی دیگر تجلی بالاترین مراتب تربیت در وجود انسان کامل صورت می‌گیرد؛ لذا مفسر تربیتی باید به سیره عملی و سنت قولی و فعلی رسول گرامی اسلام (ص) و اهل بیت (ع) در تبیین و تفسیر آیات، توجه خاص داشته باشد. خداوند می‌فرماید:

«وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ» و مسلماً تو بر شیوه (اخلاقی) بزرگوارانه‌ای هستی. (قلم/۴)
«وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا» و آنچه را فرستاده [خدا] برای شما آورده پس آن را بپذیرید (و اجرا کنید)، و آنچه شما را از آن منع کرد پس خودداری کنید (حشر/۷).

«إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» خدا فقط می‌خواهد پلیدی را از شما خاندان (پیامبر) ببرد و کاملاً شما را پاک سازد (احزاب/۳۳).

۱۴- توجه به ترتیب نزول قرآن

تربیت، یک فرایند تدریجی است؛ زیرا تأثیر در انسان، به صورت تدریجی اتفاق می‌افتد از همین روست که آیات قرآن کریم به صورت تدریجی و در ظرف ۲۳ سال نازل شد. لذا مفسر تربیتی باید به فرایند نزول آیات و شأن نزول آن‌ها نیز دقت کافی نماید. مفسر تربیتی باید به نزول تدریجی آیات و بحث قرآنی آیات مکی و مدنی که نقش مهمی در ارائه نظام

صحیح تربیتی از قرآن دارد توجه ویژه کند؛ زیرا نزول تدریجی آیات، قطعاً به علت تدریجی بودن امر تربیت و رعایت درک و فهم مخاطب و وسعت و توانایی‌های او بوده که خود، از اصول تربیت است و مربی باید این مهم را در نظر داشته باشد؛ به این صورت که ابتدا سوره حمد سپس علق و پس از آن قلم و بعد مزمل را تفسیر می‌کند و به همین ترتیب تفسیر سوره‌ها را تا پایان سوره‌های مکی ادامه می‌دهد. پس از آن تفسیر سوره‌های مدنی را با تفسیر سوره بقره آغاز می‌کند تا به آخرین سوره مدنی قرآن یعنی نصر می‌رسد.

دروزه می‌نوسد: تفسیر با ترتیب نزول بهترین روش در فهم و خدمت به قرآن می‌باشد. او دلیل این روش را چنین بیان می‌کند: با این روش پیگیری سیره نبوی به صورت زمانی ممکن می‌شود؛ همانطور که پیگیری دوره‌های نزول و مراحل آن به صورتی واضح‌تر و دقیق‌تر ممکن می‌شود و این امر قاری قرآن را در جو نزول قرآن و ظرف مکانی و زمانی و مناسبات و غایت و مفاهیم آن قرار می‌دهد و حکمت آیات الهی برای او آشکار می‌شود (دروزه ۱۳۸۳).

شیخ عبد الکریم بهجت پور می‌نوسد: به نظر می‌رسد عدم رعایت ترتیب نزول سوره‌ها، فهم مراد جدی خداوند را با دشواری مواجه می‌سازد. سخن حکیمانه، اقتضا می‌کند که اجمالش قبل از تفصیل، عامش قبل از خاص، مطلقش قبل از مقید، منسوخش قبل از ناسخ و ... باشد. به طور کلی کلامی که بخشی از آن ناظر به بخش دیگر، و بعضی از آن مفسر بعضی دیگر می‌باشد؛ آنگاه به خوبی فهمیده می‌شود که سیر کلام به همان سبک و اسلوبی که گوینده ادا کرده، مورد مطالعه و تأمل قرار گیرد. اگر عبارات‌ها و جملات، تقدّم و تأخر یابد و نظام سخن به هم ریخته شود، امکان گم شدن بخشی از مقصود گوینده یا نویسنده وجود دارد (بهجت پو ۱۳۸۷). یکی از ویژگی‌های مصف حضرت علی (ع) این است که ترتیب آیات و سوره‌ها، بر طبق نزول آن‌ها بوده است؛ یعنی در این مصحف سوره‌های مکی پیش از مدنی آمده و مراحل و سیر تاریخی نزول آیات روشن بوده است. بدین وسیله سیر تشریح و احکام، مخصوصاً مسأله ناسخ و منسوخ در قرآن به خوبی به دست می‌آید (معرفت ۱۳۸۸).

۱۵- شناخت و معرفت انسان

چون موضوع تربیت، «انسان» است و هدف از آن، هدایت و کسب فضایل اخلاقی و در نتیجه سعادت اوست، مفسر ابتدا باید تعریف صحیحی را از انسان و ابعاد وجودی و

استعدادهای او با تکیه بر آیات نورانی قرآن ارائه دهد؛ یعنی مفسر تربیتی باید ابتدا مبنای صحیحی در مورد انسان داشته باشد.

۱۶- قابل تربیت بودن انسان

اگر مفسر تربیتی درصدد بیان گزاره‌ها یا نظریات تربیتی برای انسان است باید در تفسیر خویش به این نکته توجه کند که انسان موجودی متفاوت از سایر موجودات قابل تربیت است؛ به‌ویژه این تفاوت در استعدادهای افراد بشر و در مواهب الهی نیز وجود دارد. پس باید به‌عنوان یک اصل تربیتی وجود تفاوت‌ها را پذیرفت و با این نگاه به تفسیر آیات پرداخت.

۱۷- هماهنگی تربیت قرآن با فطرت انسان

خداوند قرآن را برای هدایت و تربیت انسان نازل کرده است، لذا تعالیم قرآن نمی‌تواند خلاف فطرت انسان باشد.

«فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ» پس روی (وجود) خود را به دین حق گرایانه راست دار، (و پیروی کن از) سرشت الهی که (خدا) مردم را بر (اساس) آن آفریده که هیچ تغییری در آفرینش الهی نیست (روم/۳۰).

هیچ انسانی هیچ هدف و غایتی ندارد مگر سعادت، هم‌چنان که تمامی انواع مخلوقات به سوی سعادت خود و آن هدفی که ایده‌آل آن‌هاست هدایت فطری شده‌اند و طوری خلق شده و به‌جهازی مجهز گشته‌اند که با آن غایت و هدف مناسب است (طباطبایی ۱۴۱۷ق).

۱۸- علم، سلاح تربیت قرآن

در نخستین آیه پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را مخاطب ساخته می‌گوید: "بخوان بنام پروردگارت که جهان را آفرید" علم وسیله‌ای است که درون انسان را نورانی می‌کند و علم مهمترین وسیله است برای تربیت.

«أَقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ * خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ * أَلَمْ نَكُنْ مِنْ عَلَمٍ بِالْقَلَمِ * عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ» بخوان به نام پروردگارت که (همه چیز را) آفرید، انسان را از (خون بسته) آویزان آفرید. بخوان درحالی که پروردگارت ارجمندتر است (همان) کسی که با قلم بیاموخت، به انسان آنچه را نمی‌دانست آموخت (سوره علق/۱-۵).

قابل توجه اینکه در این آیات قبل از هر چیز تکیه روی مسأله "ربوبیت" پروردگار شده است و می‌دانیم "رب" به معنی "مالک مصلح" است کسی که هم صاحب چیزی است و هم به اصلاح و تربیت آن می‌پردازد (مکارم شیرازی ۱۳۷۸).

۱۹- تسخیر میل و فطرت انسان توسط قرآن

درست است که بدون وسایل امور مورد علاقه، از جمله زنان و فرزندان و اموال هنگفت از طلا و نقره و اسب‌های ممتاز و چهارپایان و زراعت و کشاورزی در نظر مردم جلوه داده شده است "تا به وسیله آن آزمایش شوند، نمی‌توان زندگی کرد، اما پیمودن راه معنویت و سعادت نیز بدون وسایل مادی غیر ممکن است؛ اما استفاده کردن از آن‌ها در این مسیر مطلبی است، و دل‌بستگی فوق العاده و پرستش آن‌ها و هدف نهایی بودن مطلب دیگر است و این باعث تربیت انسان می‌شود.

«رُئِيَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْأَحْرَبِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ» محبت امور دوست داشتنی از زنان و پسران و ثروت‌های فراوان از طلا و نقره و اسب‌های نشان‌دار و دام‌ها و زراعت، برای مردم آراسته شده است این‌ها مایه بهره‌مندی زندگی پست (دنیا) است و بازگشت نیکو، نزد خداست (آل عمران/۱۴).

«وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رَزَقُوا قَالُوا هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ وَأُتُوا بِهِ مُتَشَابِهًا وَلَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» و به کسانی که ایمان آورده‌اند، و [کارهای] شایسته انجام داده‌اند، مژده ده، که بوستان‌هایی [از بهشت] برای آنان است که از زیر [درختان]ش نهرها روان است. هر گاه میوه‌ای از آن، به آنان روزی داده شود، می‌گویند: «این چیزی است که از پیش به ما روزی داده شده بود.» «و از آن (روزی) به آنان داده شده، در حالی که همگون است و در آن (باغ‌های بهشتی) برایشان همسرانی پاکیزه است در حالی که آنان در آنجا ماندگارند (بقره/۲۵).

۲۰- فقیر و ضعیف بودن انسان در تربیت

انسان اصولاً موجود ضعیفی است و در برابر طوفان غرائز گوناگون که از هر سو به او حمله‌ور می‌شود باید طرق مشروعی برای ارضای غرائز به او ارائه شود تا بتواند خود را از انحراف حفظ کند.

«يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ وَ خُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا» خدا می‌خواهد که به شما تخفیف دهد، و (این بدان سبب است که) انسان، کم‌توان آفریده شده است (نساء/۲۸).

«فَقَالَ رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ» سپس (از آنان) به سوی سایه روی برتافت و گفت: «پروردگارا! در حقیقت من به آنچه از نیکی که به سوی من فرود فرستی، نیازمندم (قصص/۲۴).

۲۱- گنجایش صناعات ادبی در خطابات تربیتی قرآن

قرآن کریم از لحاظ فصاحت و بلاغت در اعلی می‌باشد. مردم زمان نزول قرآن با پی بردن به ادبیات قرآن سر تعظیم را فرود می‌آورد؛ مثلاً کلمه بشر معمولاً برای خبر خوب استفاده می‌شد اما قرآن با یک چرخش از صناعات ادبی، از مجاز استفاد می‌کند و برای کافران با استفاده از کلمه بشر خبر عذاب می‌دهد.

«وَ إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا وَ لِيَ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا كَأَن فِي أُذُنِهِ قِرَاءٌ قَبْسْرَهُ بَعْدَ ابٍ أَلِيمٍ» و هنگامی که آیات ما بر او خوانده می‌شود، مستکبرانه روی برمی‌تابد، گویا آن را نشنیده است چنانکه گویی در گوش‌هایش سنگینی است پس او را به عذاب دردناکی مژده ده! (لقمان/۷)

۲۲- قابل تغییر و تأثیرپذیر بودن رفتارهای انسان

پیامبر اکرم (ص) خیلی خوش اخلاق بود؛ به‌خاطر همین مردم در کنار ایشان جمع شده بود. اگر رفتار پیامبر خشن بود این‌طور نمی‌شد؛ لذا خداوند به او خطاب می‌کند که وقتی دانستی که نرمی اخلاق و نرمی کلام رحمت و نعمت از جانب خداست و اینکه بد اخلاقی و قساوت قلب نسبت به آن‌ها موجب تفرق و پراکندگی آن‌هاست، پس در مدارا کردن با آن‌ها کوشش کن و بدیهایشان را نسبت به خودت ببخش (خانی ۱۳۸۲).

«فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» و به سبب رحمتی از جانب خدا با آنان نرم‌خو شدی و اگر (بر فرض) تندخویی سخت‌دل بودی، حتماً از پیرامونت پراکنده می‌شدند. پس، از آنان در‌گذر و برایشان آمرزش بخواه و در کار [ها] با آنان مشورت کن و هنگامی که تصمیم گرفتی، پس بر خدا توکل کن چرا که خدا توکل‌کنندگان را دوست می‌دارد (آل عمران/۱۵۹).

بحث و نتیجه‌گیری

در پایان بحث می‌توان با جرأت گفت که یکی از بهترین سبک‌های تفسیری، تفسیر تربیتی می‌باشد. هدف قرآن تربیت انسان است؛ بنابراین قرآن به صورت گسترده به مباحث تربیتی پرداخته است. گرچه عده‌ای معتقدند همه علوم در قرآن کریم نیامده است، ولی می‌توان مدعی شد، چون قرآن کریم درصدد تربیت انسان بما هو انسان است، مباحث تربیتی عمیقی در قرآن، شکل گرفته است.

منابع

قرآن کریم

آخوند خراسانی، محمد کاظم بن حسین، (۱۴۰۹) کفایة الأصول (طبع آل البيت) - قم، چاپ: اول، ۱۴۰۹ ق.

ابن فارس، احمد. (۱۴۰۴ق) معجم مقایس اللغة. مکتب الاعلام الاسلامی، قم.
ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم. (۱۴۰۵). لسان العرب، نشر ادب الحوزه، قم، ۱۴۰۵ ق.

بهجت پور، عبد الکریم. (۱۳۸۷). همگام با وحی. قم: سبط النبی (ص).
بهشتی، محمد. (۱۳۷۸). مبانی تربیت از دیدگاه قرآن. انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول.

خانی رضا، حشمت الله. (۱۳۷۲). ترجمه بیان السعادة فی مقامات العبادة. تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه پیام‌نور.

دروزه، محمد عزت. (۱۳۸۳). التفسیر الحدیث. قاهره: دار إحياء الكتب العربیة.
رضایی اصفهانی، محمد علی. (۱۳۸۷). منطق تفسیر قرآن ج ۱. قم: جامعه المصطفی العالمیه.
رضایی اصفهانی، محمد علی. (۱۳۹۲). منطق تفسیر قرآن، ج ۵. قم: جامعه المصطفی العالمیه.
رضایی اصفهانی، محمد علی. (بی تا) مقالات فارسی، ج ۲۵، قم: جامعه المصطفی العالمیه.
الزرقانی، محمد عبد العظیم. (۱۳۶۲). مناهل العرفان فی علوم القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

شاکر، محمد کاظم. (۱۳۸۲). مبانی و روش‌های تفسیری. قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۴۱۷). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.

- مجله قرآن و علم. (۱۳۸۷). شماره ۳.
معرفت، محمد هادی. (۱۳۸۸). علوم قرآنی. قم: موسسه فرهنگی تمهید.
معین، محمد. (۱۳۷۵). فرهنگ معین. تهران: امیرکبیر
مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۸). تفسیر نمونه، چاپ بیست و هفتم. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
مؤدب، سید رضا. (۱۳۸۵). روش تفسیر قرآن. دانشگاه قم.
مؤدب، سید رضا. (۱۳۸۶). مبانی تفسیر قرآن. دانشگاه قم.

